

## نخستین تشکلات کارگری در ایران

جلیل محمودی

### توضیح

امروز کارگران ایران از تشکلات مستقل خود محرومند، اما آن‌ها در عرصه ایجاد تشکیلات مستقل خود بی‌سنت نیستند. جنبش کارگری ایران از حدود یک قرن پیش تاکنون دارای تاریخچه پرفراز و فرود و بعضاً پرباری است. ۹۵ سال پیش (در گرماگرم انقلاب مشروطیت) بخشی از کارگران ایران در صنعت چاپ موفق شدند، نخستین تشکل مستقل کارگری را برپا کنند. در همین راستا ۸۰ سال پیش برای اولین بار یک تشکیلات نسبتاً فراگیر کارگری در ایران تأسیس شد. مطلبی که بخش اول آن ذیلاً از نظراتان خواهد گذشت، دو فصل از کتاب تاریخی-تحلیلی جنبش کارگری ایران می‌باشد. این کتاب که هنوز به چاپ نرسیده است توسط رفیق ناصر سعیدی و من به نگارش در آمده است و به لحاظ تاریخی سالهای ۱۲۸۵ تا پایان سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰) را در بر می‌گیرد. از مطالب کتاب فوق، برای پژوهش کارگری دو مقطع را برگزیده‌ام: یکی هنگامه انقلاب مشروطیت که طی آن نخستین تشکل منظم کارگری تأسیس شد و دیگری سال‌های پرتلاطم ۱۳۰۲-۱۳۰۰ که در فرآیند آن کارگران توانستند شوروی مرکزی اتحادیه‌های خود را به وجود آورند. این مطالب با تغییراتی نسبت به متن اصلی در این جا درج گشته‌اند.

### نخستین نمودهای حرکت کارگری در ایران

نخستین نمودهای اعتراض کارگری از سال ۱۲۸۵ تحت تأثیر شور و هیجان برآمده از جنبش انقلابی مشروطه و نیز تداوم وضعیت انقلابی که از سال ۱۹۰۵ / زمستان ۱۲۸۳ در روسیه پدید آمده بود، آشکار شد. نمی‌توان به روشنی و با اطمینان مکان و زمان اولین اعتراض کارگری را تعیین کرد، ولی "یک جا می‌بینیم که قایق رانان و کرجی بانان انزلی که بارهای کالای روسها را از کشتی به بارگاه ساحلی می‌آوردند، متحد گشتند و تقاضای "اضافه کرایه" نمودند. اعلام داشتند که اگر تقاضایشان را نپذیرند، از کار دست خواهند کشید. شاید آن نخستین تهدید به اعتصاب باشد... ۲" اعتراض کارگران شیلات شمال که متعلق به سرمایه دار روسی (لیانازوف) بود، اهمیت ویژه ای داشت. تأسیسات شیلات یکی از بزرگ ترین مؤسسات ایران در آن زمان به حساب می‌آمد و در آن ۴۰۰۰ کارگر (غالباً ماهی گیر) کار می‌کردند.

اعتراض کارگران در این مؤسسه به صورت بست نشینی بود که در آن زمان رایجترین شکل اعتراضی مردم محسوب می‌شد. کارگران در تلگراف خانه انزلی بست نشستند، اعلام کردند از این پس همه ماهی‌هایی را که صید خواهند کرد برای خود نگه می‌دارند. رایینو زمان وقوع اعتراض را ۴ شوال ۱۳۲۴ ذکر می‌کند. اجتماع کنندگان که شمار آنان ۳۰۰۰ تن ذکر شده، شکایت نامه ای به مجلس شورای ملی تلگراف کردند. ۳ "حکومت سپاهانی را جهت سرکوبی اعتصاب گران فرستاد و در اثر زد و خوردی که رخ داد یک ماهی گیر کشته شد. اما ماهیگیران تسلیم نشدند آن‌ها همچنین از پذیرفتن میانجیگری دو تن از رهبران با نفوذ محلی یعنی

( ۱ ) اولین انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ به نقطه اوج خود رسید و تا مدتی ادامه داشت. فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه زیر فشار جنبش انقلابی، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ امضاء شد.

( ۲ ) به نقل از آدمیت، فریدون: فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، انتشارات نوید، آلمان، ۱۳۶۴، ص ۸۷

( ۳ ) همان جا، ص ۸۸- ۸۷

وزیر اکرم و شریعتمداری تن زدند و با نثار دشنام های فراوان آن دو را باز پس فرستادند. آن اعتصاب در میان مردم شمال آوازه بسیار یافت و اهالی رشت می خواستند با تحریم کالاهاى روسی احساسات خود را ابراز دارند.<sup>۴</sup> آدمیت معتقد است، قیام ماهیگیران انزلی در درجه اول نتیجه فعالیت فرقه مجاهدین انزلی بود، که یکی از شاخه های "اجتماعیون عامیون" به حساب می آمد. سپس توضیح می دهد که به "طور کلی شاخه های چهارده گانه فرقه مجاهدین که همگی از "اجتماعیون عامیون" بودند، در شمال نفوذ داشتند و فعالیت می کردند. ۶ به جز این حرکت از اعتراضات کارگری دیگری نیز در مؤسسات لیانازوف در سال های ۱۲۸۸-۱۲۸۷ یاد شده است.

علاوه بر موارد بالا طی سال های ۱۲۸۷-۱۲۸۵ اعتصابات و حرکات جمعی ای در پاره ای از مؤسسات و کارخانه ها گزارش شده است. از جمله: اعتصاب دی ماه ۱۲۸۵ تلگراف چپان تبریز برای دریافت حقوق عقب مانده شان؛ اعتصاب کارگران چاپ خانه های تهران در بهار ۱۲۸۶ به نشانه همبستگی با یکی از همکاران شان که توسط اعتمادالسلطنه- رئیس چاپ خانه دولتی- کتک خورده بود؛ اعتصاب مجدد تلگراف چپان جهت افزایش حقوق و علیه رفتار خشن صاحب منصبان اداره؛ اعتصاب ۳ روزه کارگران کارخانه برق امین الضرب در ۱۱ مرداد ۱۲۸۶، برای دریافت دستمزد در روزهای تعطیل، لباس کار و ...؛ اعتصاب کارگران و کارمندان واگن های تهران در ۲۰ مرداد ۱۲۸۶ برای دریافت دستمزد در روزهای تعطیل؛ و اعتصاب ۱۵۰ کارگر دباغ خانه ها (چرم سازی های) تبریز در ۶ آبان ماه ۱۲۸۷ که پایین تر به آن خواهیم پرداخت.

چنان که اشاره شد، هم کارگران کارخانه برق و هم کارکنان واگن های تهران خواستار دریافت دستمزد در روزهای تعطیل شده بودند. کارکنان واگن ها «خواستند که در ایام تعطیل هم چنان که در جاهای دیگر دنیا مرسوم است» به آن ها دستمزد داده شود. کارگران برق هم چنین از کارفرمایان جامه بهایی خواستند، چون در حین کار جامه های شان پاره می شد و ناچار بودند که سالی چند جامه فراهم کنند. سرانجام می خواستند که در هنگام انفصال از کار گواهی حسن اخلاقی به آن ها داده شود و صندوقی برای بهداشت و تأمین آن ها تأسیس گردد. زیرا که "در سراسر جهان معمول است که هر گاه برای کارگری در حین کار اتفاقی رخ دهد تا هنگام بهبود یافتن حقوق خود را دریافت کند و در صورت مردن به زن و فرزند او مقرری پرداخت شود." این اعتصاب سه روز ادامه یافت و شهر در این روزها از برق محروم ماند. معلوم نیست که آیا اعتصاب به نتیجه ای رسید یا نه.<sup>۷</sup>

در باره اعتصابات و اعتراضات کارگری در این مقطع می توان گفت: اولاً غالب آن ها جنبه موقت و ناپایدار داشته اند، و اکثراً برآورده شدن خواسته هایی عاجل و هدفی کوتاه مدت را دنبال می کردند. مطالبات کارگران- به جز در موارد محدودی- مربوط به شرایط کار و یا تعدی به کارگران در محیط کار بود. کارگرانی که تا پیش از این تجربه مبارزه منظم و متشکل نداشتند، حول خواسته های فوری و بلاواسطه شان بسیج می شدند و به مقاومت دسته جمعی می پرداختند. به همین سبب نیز پس از به عمل در آمدن مطالبات و یا سرکوب حرکت توسط قوای دولت، کارگران آمادگی لازم برای ادامه مبارزه سازمان یافته نداشتند. ثانیاً به نظر می رسد سازمان دهندگان اعتصابات یا خود سوسیال دموکرات بودند و یا با سوسیال دموکرات ها رابطه داشتند. رد پای ایده های سوسیال دموکراسی و به ویژه تجربیات مبارزاتی کارگران روسیه را می توان در برخی از اعتصابات مشاهده کرد. نمونه مشخص آن را در اعتصابات کارگران دباغ خانه های تبریز، در ادامه از نظر خواهیم گذراند.

ثالثاً مهم ترین نکته رابطه میان عامل سیاسی (انقلاب مشروطیت) و آغاز مبارزه جویی کارگران در محیط کار است. کارگران که فاقد سنت سازمان گری بودند، نه خاطرات و نه تجربیاتی در سازمان دهی داشتند، تحت تأثیر جو سیاسی- اجتماعی ناشی از انقلاب

۴) فلور، ویلم، اتحادیه های کارگری و قانون کار در ایران ۱۹۴۱-۱۹۰۰، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، چاپ اول،

سال ۱۳۷۱، ص ۱۴

۵) شاکری هشدار می دهد که فرقه مجاهدین و سوسیال دموکرات ها سازمان های جداگانه ای بوده اند و نباید آن ها را یکی فرض کرد. (اسناد...، جلد ۴، ص ۱۶۸)، فرهاد کشاورز گیلانی هم می نویسد که در این که سوسیال دموکرات ها و مجاهدین یک سازمان بودند جای بحث بسیار است. (اسناد...، جلد ۲۰، ص ۱۵۴)، در باره اساسنامه مجاهدین و "انتباه نامه سوسیال دموکراتهای ایران" رجوع شود به اسناد...، جلد ۶، ص ص ۴۰-۱.

۶) آدمیت، فکر دموکراسی...، ص ۷۳

۷) فلور، اتحادیه های کارگری...، ص ۱۶

برای تأمین حداقلی از حقوق و رعایت حرمت انسانی شان وارد کارزار شدند. فضای جامعه و شرایط متحول سیاسی به حرکات مبارزه جویانه کارگران در محیط کار مشروعیت میبخشید. در همین راستا بر بستر انقلاب و باز شدن فضا، امکان کسب اطلاعاتی برای بخش هایی از کارگران فراهم آمد. اینان مطلع شدند که در سایر کشورها کارگران از حقوقی برخوردارند؛ مثلاً پرداخت دستمزد برای روزهای تعطیل یا زمان بیماری! امکان کسب اطلاعات از موقعیت کارگران در سایر کشورها، قدرت ادراک کارگران در ایران را ارتقاء می داد. زیرا اینان امکان مقایسه داشتند و می توانستند وضع خود را با سایر کارگران بسنجند. اگر پرداخت دستمزد در روزهای تعطیل و زمان بیماری "در سراسر جهان معمول است"، پس چرا کارگر ایرانی از آن محروم باشد! این مؤلفه ها یعنی مشروعیت مبارزه، امکان کسب اطلاعات و امکان مقایسه، شرایط را برای مبارزه دسته جمعی مساعد کرده بود. در عین حال حرکت کارگران جز در مورد صنعت چاپ، فاقد یک سازمان منظم تشکیلاتی بود و اصولاً این اعتراضات طرح پخته ای برای ساختن یک تشکل پایدار کارگری در دستور کار نداشتند. بدیهی است کارگران در جریان حرکت روابط نزدیک تری میان خود ایجاد می کردند و چه بسا هسته های کوچکی نیز پدیدار آمدند که پیوند های منظمی با هم داشتند، اما به جز در صنعت چاپ، تشکل های کارگری ادامه کاری به وجود نیامد.

اکنون از میان اعتراضات بالا، اعتصابات کارگران دباغ خانه های تبریز را که اطلاعات بیشتری درباره آن وجود دارد، مورد ملاحظه قرار می دهیم:

"واسو می نویسد که در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۰۸ / ۷ آبان ۱۲۸۷ در سه کارخانه چرم سازی تبریز، که مجموعاً دارای ۱۵۰ کارگر بوده اند، تحت رهبری سوسیال دموکرات ها اعتصاب شد... در این اعتصاب کارگران وحدت عمل شایانی از خود بروز دادند، صندوق اعتصاب تشکیل دادند و کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان انتخاب کردند."<sup>۸</sup>

"تقاضاهای کارگران عبارت بودند از:

- ۱- افزایش مزد برای هر قطعه از یک به ۱/۵ شاهی
- ۲- استخدام و اخراج کارگران و شاگردان با موافقت کارگران
- ۳- ایجاد شرایط بهداشتی برای محیط کار
- ۴- تأمین مداوای بیماران در مدت بیماری از طرف صاحب کارخانه
- ۵- پرداخت نصف مزد در طول مدت بیماری
- ۶- کاهش زمان اضافه کار
- ۷- پرداخت دو برابر مزد معمولی برای ساعات اضافه کار
- ۸- عدم اخراج کارگران در طول مدت اعتصاب
- ۹- پرداخت مزد ایام اعتصاب
- ۱۰- خودداری از هر گونه اخراج.

اعتصاب بعد از ۳ روز با موفقیت نسبی پایان یافت. انجام تقاضاهای شماره ۱ و ۸ و ۱۰ از طرف کارفرما مورد قبول قرار گرفت.<sup>۹</sup> بنابر این سوسیال دموکرات های تبریز با کارگران چرم سازی ها رابطه داشته و در سازمان دهی اعتصاب نقش اساسی داشتند. طریق پیشبرد اعتصاب یعنی تشکیل صندوق اعتصاب و انتخاب کمیسیونی برای مذاکره با کارفرمایان شباهت کم نظیری با شکل مبارزات کارگران روسیه دارد. و می توان در تاریخ جنبش کارگری روسیه نمونه های بسیاری از آن به دست داد. در اساس سوسیال دموکرات ها با استفاده از تجارب کارگران روسیه مبارزه چرم سازان را پیش برده اند. هم چنین انتخاب دباغ خانه ها برای اعتصاب، نشانگر آگاهی و شناخت سوسیال دموکرات ها از موقعیت این صنعت بوده است. زیرا صنعت چرم سازی یکی از صنایع صادراتی ایران محسوب می شد و تولید در آن رونق داشت.

(۸) به نقل از کامبخش، عبدالصمد، نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، مجموعه مقالات، انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۹۷۲، ص ۲۴.

(۹) رواسانی، شاپور، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران، چاپخش، تهران، چاپ اول: شهریور ماه ۱۳۶۳، ص ۱۰۵

## ایجاد اولین تشکل منظم کارگری

پیش‌تاز سازمان دهی اتحادیه نه کارگران صنایع سنتی و نه کارگران صنایع مدرن ایران بلکه کارکنان چاپ بودند. چاپ‌گران گروهی کوچک از کارگران ایران را تشکیل می‌دادند که تحصیل کرده تر از سایر کارگران بودند و با کتاب و روزنامه سرو کار داشتند. ویژگی شغلی شان چنان بود که با سهولت در جریان اخبار سیاسی روز قرار می‌گرفتند، با افکار و عقاید نوین، تحولات سیاسی ایران و جهان و مباحث گوناگون سیاسی آشنا می‌شدند. به همین دلیل با فعالین گوناگون سیاسی در تماس بودند و این امکان را داشتند که از نزدیک با آراء و اندیشه های مختلف آشنایی پیدا کنند. بدین ترتیب کارکنان چاپ پیشقدم بودند. آن‌ها در سال ۱۲۸۵ در اوج جنبش مشروطیت مهم ترین رخداد تاریخی کارگران ایران را به نام خود ثبت کردند.

محمد پروانه (از زحمت کشان صنف چاپ) به همراه گروهی از کارگران نخستین اتحادیه کارگری ایران را در تهران سازمان داد. جریان را از قلم سید فرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران بخوانیم: "پس از صدور فرمان مشروطیت در بازار چاپ و نشر ایران تحول اساسی پدید آمد. شمار مشتریان چاپ خانه ها فزونی گرفت و "سفارشات" افزایش یافت. کارفرمایان بر ساعات چاپ خانه ها افزودند، کارگران چاپ خانه ها بی وقفه مشغول انجام کارهای چاپی بودند، ولی نه از دستمزد و "اضافه کار" خبری بود و نه "امنیت شغلی" داشتند. نامه های مکرر به امضای کارگران چاپ خانه ها که با عنوان های "اعضای مطبوعات"، "کارگران مطابع"، برای رییس الوزراء، وزیر علوم و دیگر مقامات مملکتی ارسال می شد، نتیجه بخش نبود. از این رو، کارگران چاپ خانه ها- پس از شور و مشورت- در یکی از چاپ خانه های واقع در خیابان ناصریه (ناصر خسرو امروز) تهران گرد هم آمدند و نخستین تشکل کارگری را در این شهر بنیان نهادند، تا بلکه بتوانند به گونه ای سازمان یافته حقوق حقه خود را بگیرند. البته باید دانست که سامان دهی این تشکیلات فقط انگیزه مادی و "اضافه دستمزد" نداشت. بلکه کارگران چاپ خانه ها میخواستند هم صدا با طرف داران برقراری نظام مشروطیت در برخی از صحنه های سیاسی و اجتماعی حضور فعال داشته باشند. نمونه عینی این هم صدایی پیشتر به دنبال توقیف روزنامه حبل المتین در جمادی الثانی سال ۱۳۲۵ ه. ق دیده شد. به محض توقیف این نشریه، کارگران چاپ خانه ها هم گام با روزنامه نگاران، کتاب داران و ... در حدود یک هفته اعتصاب کردند که از آن می توان به عنوان نخستین اعتصاب سراسری در تاریخ مطبوعات یاد کرد. به دنبال این اعتراض همگانی، دولتیان گردن نهادند و از حبل المتین رفع توقیف شد. ۱۰"

سلطان زاده بر این گمان است که تشکیل این اتحادیه "تحت نفوذ حزب دموکرات" صورت گرفته است. او می نویسد: "نخستین کوشش ها برای سازمان دهی سندیکایی در ایران به سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶ در زمان نخستین انقلاب [جنبش مشروطه]، هنگامی که کارگران چاپ خانه های تهران تحت نفوذ نیرومند حزب دموکرات ۱۱ نخستین اتحادیه خود را ایجاد کردند، انجام گرفت. بعدها هنگامی که ارتجاع در سرکوب بیداد می کرد و حزب دموکرات انحطاط یافت... این سندیکا بدون آن که نتایج جدی کسب کرده باشد منحل گشت. این وضع بدون تغییر تا سال ۱۹۱۸ / ۱۲۹۷ ... دوام یافت. ۱۲"

فلور موضوع تأسیس اتحادیه را طور دیگری مورد قضاوت قرار داده، می نویسد: "تحت نفوذ عقیده های سوسیال دموکراتی [دموکراسی] که در میان بخش های خاص از نیروی کارگری شهری ایران انتشار یافته بود، کارگران چاپ خانه "کوچکی" [در] تهران

۱۰) قاسمی، سید فرید، نخستین تشکل و نشریه صنف چاپ در ایران، نشریه صنعت چاپ، شماره ۱۵۸، ص ۴۹

۱۱) سوسیال دموکرات های صاحب نام ایرانی مثل محمد امین رسول زاده و سید حسن تقی زاده در زمان تشکیل مجلس دوم (آبان ۱۲۸۸) با نام "فرقه دموکرات" فعالیت می کردند. در اساس تشکیلات این فرقه بر پایه احزاب سوسیال دموکرات یا "اجتماعیون عامیون" بنا گردیده بود و سلف آن همان فرقه های اجتماعیون عامیون ایران بودند که در دوره اول مشروطیت تأسیس یافته بودند. حیدر عمو اوغلی (۱۳۰۰-۱۲۵۹) کمونیست مبارز ایرانی و سازمان دهنده عملیات چریکی در انقلاب مشروطیت و محمد امین رسول زاده نظریه پرداز بر جسته سوسیال دموکرات از مؤسسين فرقه دموکرات به شمار می آیند. البته باید دانست که اگر چه عناصر تشکیل دهنده "فرقه دموکرات" سابقه سوسیال دموکراتی داشتند، ولی فرقه پس از ایجاد شدنش ماهیتی انقلابی نداشت و نمی توان آن را در ردیف سوسیال دموکرات های انقلابی ایران قرار داد. فرقه دموکرات اصلاح طلب و دارای نظرگاه های لیبرال بود. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به آدمیت، همان جا، ص ۱۵۳-۱۲۹

۱۲) به نقل از اسناد تاریخ: جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، جلد ۴، به کوشش شاکری و...، ص ۱۰۷

در سال ۱۹۰۷ نخستین اتحادیه کارگری ایران را تأسیس کردند.<sup>۱۳</sup> از میان دو قضاوت بالا، دومی به واقعیت نزدیک تر به نظر می رسد. زیرا سلطان زاده تأسیس اتحادیه را به نفوذ یک فرقه خاص (فرقه دموکرات) نسبت می دهد، حال آن که فلور در این باره نقش یک گرایش و اندیشه خاص (سوسیال دموکراسی) را بر جسته می کند. داوری اخیر با ارزیابی سید فرید قاسمی نیز تناقض ندارد. زیرا کارگرانی که اتحادیه چاپ را تشکیل دادند، میتوانستند تحت تأثیر افکار سوسیال دموکراسی باشند، بدون این که زیر "نفوذ نیرومند" حزب ویژه ای قرار داشته باشند. علاوه بر این، ادعای سلطان زاده با واقعیت تاریخی هم سنخیت ندارد. زیرا سوسیال دموکرات هایی که بعداً جزو مؤسسين "فرقه دموکرات" گشتند، در سال ۱۲۸۵ هنوز تحت عنوان "فرقه دموکرات" فعالیت نمی کردند.

به هر حال اتحادیه صنعت چاپ به هر ترتیبی هم که تشکیل شده باشد، باز نشانگر آمادگی کارکنان این صنعت نسبت به سایر اقشار کارگری جهت ایجاد یک سلزمان منظم اتحادیه ای بوده است. زیرا سوسیال دموکرات ها در بحبوحه انقلاب مشروطیت در میان اقشار مختلف کارگری فعال بودند و در بسیاری از اعتراضات کارگری نقش داشتند، ولی تنها کارکنان چاپ بودند که قادر گشتند برای نخستین بار تشکیل پایدار کارگری در ایران ایجاد کنند. تا زمان پایان جنگ جهانی اول (۱۲۹۷) به جز کارکنان چاپ، مبارزات سایر بخش های کارگری حالت موقت داشت. فعالیت آن ها از ادامه کاری و استمرار برخوردار نبود. و همان گونه که ذکر شد آن ها برای خواسته های عاجلی بسیج می شدند و پس از پایان هر حرکتی به ندرت اثری از مبارزه دسته جمعی در محیط کار دیده می شد. ولی کارگران چاپ بلندنظرانه در اندیشه آن بودند که با ایجاد تشکل هم "به گونه ای سازمان یافته حقوق حقه خود" را از کارفرمایان باز ستانند، و هم به مدد آن در پیکارهای سیاسی و اجتماعی آن زمان حضور فعال داشته باشند. این ویژگی نقطه قوت آنان را نسبت به سایر اقشار کارگری می رساند.

و اما اظهار نظر سلطان زاده در باره انحلال اتحادیه چاپ نیز دقیق نیست. با این که فعالیت اتحادیه مذکور در دوره ای که در تاریخ ایران به "استبداد صغیر" ۱۴ مشهور است، متوقف گشت؛ ولی اتحادیه منحل نشد. کارکنان چاپ با سقوط محمد علی شاه و آغاز دوره دوم مشروطه، دوباره اتحادیه را فعال کردند. این بار حتی گامی فراتر گذاشتند و برای آگاهی همگان از افکار و مواضع شان نشریه ای به نام "اتفاق کارگران" منتشر نمودند. از این نشریه ۴ یا ۵ شماره چاپ شد. شماره اول آن در روز یکشنبه ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۸ هـ - ق / ۱۲۸۹ شمسی انتشار یافت. "اتفاق کارگران" به مثابه سند کارگری از اهمیت کم نظیری برخوردار است. زیرا نشان می دهد آن بخش از کارگران ایرانی که به حقوق خود می اندیشیدند و از کارگران دیگر آگاه تر بودند، در ۹۰ سال پیش چگونه فکر میکردند. به همین جهت مناسب است در این باره درنگ کنیم.

## نگاهی به "اتفاق کارگران"

در نخستین شماره اتفاق کارگران، زیر عنوان "تقاضاهای ما" با فروتنی یا شاید خودکم بینی ذکر شده بود: "ما کارگران معذرت می خواهیم از این که زبان و فهم روزنامه نگاری نداریم و عالم نیستیم که بتوانیم به خوبی مقاصد خود را به قارئین گرام [خوانندگان گرامی] برسانیم." در صفحه دوم همین شماره زیر عنوان "غفلت از حال رنجبران ایرانی" میخوانیم: "... با این حال در مملکت ایران به هیچ وجه حقوق رنجبران معلوم نیست. هنوز در این مدت هیچ روزنامه [ای] یک سطر از حقوق عملجات ننوشته است، هیچ ناطقی از حقوق عملجات کلمه [ای] به زبان نیاورده است، در هیچ حوزه و انجمنی از حقوق عملجات مذاکره نشده است، در هیچ کابینه [ای] اسم عملجات برده نشده است، هنوز کسی نگفت چرا عملجات ایرانی باید چهارده ساعت کار کنند، هنوز کسی نگفت چرا عملجات ایرانی باید برای یک جزئی حقوق، سه ماه در عدلیه بروند، هنوز کسی نگفت چرا عملجات ایرانی باید عوض حقوق کتک بخورند، هنوز کسی نگفت چرا کارگران ایرانی باید به علت مطالبه حقوق جلب به نظمیة بشوند، هنوز کسی نگفت چرا در ازاء پول عملجات ایرانی فحش میشوند."

۱۳ ( فلور، اتحادیه ها...، ص ۱۳، کروشها در متن اصلی نیست.

۱۴ ( منظور دوره ای است که از زمان بستن مجلس اول توسط محمد علی شاه تا زمان سقوط وی (۱۲۸۸) ادامه می یابد. فعالیت مجلس اول در ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ متوقف شد. در ۳۱ تیر به دستور شاه، یکی از افسران روسی مجلس را به توپ بست. در آن مقطع تزار هم توانسته بود، انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ / ۱۲۸۶-۱۲۸۳ کارگران روسیه را در هم بشکند.

در همین شماره، ما ناظر طرح "مطالبات و تقاضاهای اجتماع کارگران طهران از صاحبان مطبعه" هستیم. این مطالبات که ۱۴ مورد را در بر می گرفت به شرح زیر میباشند:

"اول- کارگران نباید در هیچ مطبعه بیش از ۹ ساعت کار کنند.

دوم- اقل اجرت و مواجب کارگران مطبعه ها در ماهی کم تر از ۳ تومان نخواهد بود- کارگرانی که از ۵ الی ۱۰ تومان مواجب دارند صدی دوازده بر حقوق آن ها افزوده خواهد شد. کارگرانی که از ۱۰ الی ۱۵ تومان مواجب دارند صدی ده- کسانی که از ۱۵ الی ۲۰ تومان دارند صدی هشت. آن هایی که از ۲۰ الی ۲۵ تومان دارند صدی پنج بر حقوق آنها افزوده خواهد شد. حقوق و مواجب کارگران سر موعد باید پرداخت شود.

سوم- کارگری که بدون تقصیر از کار و شغل خود خارج می شود هر گاه ۶ ماه یا بیشتر در خدمت بوده است صاحب مطبعه باید مواجب ۱۵ روز علاوه به آن کارگر بپردازد. هر گاه بیش از یک سال سر خدمت بوده باشد باید مواجب یک ماه علاوه دریافت نماید. کارگری که بیشتر از دو سال خدمت کرده باشد باید مواجب یک ماه و نیم علاوه دریافت نماید. کارگری که بیشتر از سه سال خدمت کرده باشد باید مواجب دو ماه دریافت نماید و به این طریق به هر یک سال خدمت مواجب ۱۵ روز علاوه شود. چهارم- صاحب مطبعه در صورتی کارگری را می تواند بدون تقصیر از شغل خود خارج نماید که اقل ۱۵ روز قبل به کارگر اطلاع داده باشد- در صورت فروش مطبعه کارگران به ترتیب سابق در شغل خود باقی خواهند ماند- فروشنده مطبعه باید مواجب علاوه کارگران را مطابق سنواتی که کارگران خدمت کرده اند بپردازد.

پنجم- سلوک و رفتار مدیرها و روسای مطبعه با کارگران باید به هیچ وجه از نزاکت و ادب خارج نباشد.

ششم- هر گاه مطبعه شب کاری مدامی داشته باشد صاحب مطبعه باید یک دسته کارگر جدیدی برای شب کاری اجیر نماید- حقوق و اجرت کارگرانی که شب کاری می نمایند باید از حقوق معمولی خود یک و نیم علاوه دریافت دارند- کارگرانی که مشغول شب کاری فوق العاده می شوند غیر از حقوق روزانه خود باید یک و نیم علاوه دریافت و به نوبت شب کاری کنند.

هفتم- غیر از اعیاد عمومی هفته یک روز تعطیل و آسایش اجباری مخصوص هر ملت.

هشتم- در صورتی که کارگری ناخوش شود باید حقوق یک ماهه به او داده شود- وقتی که کارگر ناخوش معالجه می شود مجدداً بر سر شغل خود باقی بماند.

نهم- هر مطبعه باید دارای طبیب مخصوص خود بوده باشد.

دهم- در صورتی که کارگری در موقع کار مجروح یا معیوب شود تا مدتی که معالجه شود باید حقوق خود را دریافت دارد (بیش از سه ماه نخواهد رسید).

یازدهم- در صورتی که عضوی از اعضای کارگری در موقع کار معیوب شود به تصدیق اطباء میزان خسارت وارده تعیین شده حق الخسارت به او داده خواهد شد- میزان و مبلغ خسارتی که به کارگر داده می شود از طرف صاحب مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگردان تعیین خواهد شد.

دوازدهم- در صورت فوت کارگر در موقع کار باید مبلغی برای معاش عیال و اطفال کارگر متوفی به تصدیق و تصویب اطباء و نمایندگان کارگران و صاحب مطبعه تعیین کرده پرداخته شود.

سیزدهم- هر یک مطبعه باید دارای یک رئیس بوده باشد.

چهاردهم- با رضایت و تصویب صاحبان مطبعه و نمایندگان اجتماع کارگران نظام نامه برای کلیه مطبعه ها وضع خواهد شد.

از مجموعه خواسته های فوق روشن می شود که نویسندگان یا طالبان آن ها هم با حقوق کارگری و مبانی قانون کار و هم با شرایط مشخص چاپ خانه ها آشنایی داشته اند. غالب مطالبات مربوط به مسایل رفاهی و شرایط کار و دستمزد کارگران می شود: تعیین حداکثر ساعت کار روزانه و حداقل دستمزد، پرداخت خسارت به کارگران اخراج شده و در نظر گرفتن تدابیری برای امنیت شغلی کارگران، پرداخت یک و نیم برابر دستمزد به کسانی که شب کار می کنند، یک روز تعطیل در هفته، پرداخت خسارت به کارگران آسیب دیده و مبلغی برای امرار معاش خانواده کارگری که فوت کرده از این جمله اند. اما علاوه بر خواسته های رفاهی، دو خواسته دیگر نیز مطرح شده که به ویژه در آن دوره از اهمیت بالایی برخوردار بودند: اول رفتار مؤدبانه مدیران و روسای چاپ خانه ها با کارگران. این خواسته که به رعایت حرمت و شخصیت کارگران مربوط می شد، در جامعه ای که کتک زدن "فعله ها" و توهین به آنان

مرسوم بود، بسیار مهم است. دوم تدوین نظام نامه ای برای چاپ خانه ها با شرکت نمایندگان کارگران. اگر در نظر داشته باشیم که این موضوع هنوز هم در ایران متحقق نشده است به متری بودن آن در دوره مورد بررسی بیشتر پی می بریم.

بی فایده نیست نکات دیگری در باره خواسته های ۱۴ گانه عنوان کنیم. خواسته دوم علاوه بر تعیین حداقل دستمزد، معطوف به تعیین معیاری مشخص برای افزایش دستمزد کارگران متناسب با میزان دستمزدشان است. به نحوی که کارگرانی که عایدی کم تری داشتند، درصد بیشتری بر دستمزدشان افزوده گردد. این معیار عادلانه تر از تعیین یک درصد ثابت افزایش دستمزد برای همه کارگران است که امروزه در ایران متداول است. خواست ششم در باره پرداخت اضافه حقوق برای کار شبانه نیز نشانه درایت کارگران چاپ بوده است. آنان به مضر بودن کار شبانه- که هنوز نیز زیان های آن از سوی بسیاری از کارفرمایان کتمان می شود- آگاه بودند و خواستار جبران آسیب وارده به کارگرانی بودند که ناگزیر به کار شبانه می شدند. در این سند مرخصی سالیانه کارگران مطرح نشده است، ولی در مطالبه هفتم مسئله تعطیلات رسمی و یک روز تعطیل در هفته طرح گشته است. در مورد رعایت ایمنی و بهداشت کار نیز گر چه خواسته هایی ذکر شده، اما از وسایل پیشگیری از حوادث در محیط کار سخنی به میان نیامده است. اما شاید بزرگترین کمبود در میان خواسته های مذکور عدم توجه به مسئله حق اعتصاب و پرداخت دستمزد زمان اعتصاب باشد. با این حال سند مذکور با توجه به آن که کارگران در آن زمان از حداقل حقوق محروم بودند و هیچ گونه مقرراتی نیز در چاپ خانه ها رعایت نمی شد، بسیار پیشرفته بود و نشان از اطلاع، درایت و شناخت تدوین کنندگان آن دارد.

در دومین شماره "اتفاق کارگران" نیز مطلب جالب توجهی به چشم می خورد. در صفحه ۳ این شماره زیر عنوان "قابل توجه همکاران محترم" می خوانیم: "هم کاران محترم ما کارگران مطبوعه ها چندین دفعه از تنگی معیشت و گذران خود شکایت کرده و خواهش و تمنی نموده ایم که به داد ما رسیده و ما را از فشار تعدیات و تعرضات صاحب کاران برهانند، لکن همیشه وقت ماها را با مواعید بی اصل ساکت نموده و تا به حال به درد ما نرسیده اند. یعنی ما کارگران از صاف دلی خود به معاونت آن ها امیدوار و به آن ها رجوع کرده بودیم، غافل از این که در هیچ جای دنیا دیده نشده است که دیگران به کارگران معاونت و یاری بکنند. و کارگران دول متمدنه در معیشت خود این حقیقت تلخ را چشیده و قطع نموده اند. آزادی کارگران با خود کارگران است." ۱۵

سند بالا نشان می دهد که در آن هنگام صدای کارل مارکس (رهای طبقه کارگر، کار خود کارگران است)، به گوش شماری از کارگران ایران نیز رسیده بوده است. اما باید دانست کارگران چاپ موقعیت خاصی داشتند. امکان دسترسی آن ها به اطلاعات آسان تر بود. از این طریق می توانستند از وضع کارگران کشورهای صنعتی با خبر شوند و شرایط پست کارگر ایران را با آن ها مقایسه کنند. از سوی دیگر مستقیماً در معرض افکار سیاسی قرار داشتند و از آثار سوسیالیستی و جنبش کارگری مطالبی به گوش آن ها رسیده بود. بنابر این تلقی و برخورد آن ها با سایر کارگران تفاوت داشت. غالب کارگران شهری ایران روشن بینی آن ها را نداشتند. حقوق خود را نمی شناختند. در جریان انقلاب مشروطیت اعتصاباتی انجام داده بودند، ولی سنت مبارزه جویی کارگری دامنه داری نداشتند. بیشتر این اعتصابات- به ویژه در مناطق شمالی کشور- نیز حاصل تلاش های کارگران مهاجر و سوسیالیست هایی بود که از روسیه به ایران بازگشته بودند. کارکنان چاپ باید پیشتاز می شدند، الگوی موفق از همبستگی کارگری می ساختند تا از روی آن بقیه کارگران نیز دست به کار می گشتند.

به هر حال، در تاریخ جنبش کارگری آن دوره ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۸) "اتفاق کارگران" چه در طرح مطالبات کارگری و چه در تأکید بر نیروی خود کارگران از شفافیت کم نظیری برخوردار بود. این شفافیت حتی در نشریه "حقیقت" که مدافع کارگران بود و در سال های اوج فعالیت های اتحادیه ای (۱۳۰۱-۱۳۰۰) منتشر می شد، دیده نمی شود. و این شاید تفاوت میان نشریه ای باشد که توسط خود اتحادیه کارگری منتشر می شد با نشریه ای که به طرف داری از اتحادیه های کارگری به چاپ می رسید.<sup>۱۶</sup>

۱۵) همه نقل قول ها از "اتفاق کارگران" شماره های ۱ و ۲ است که در نشریه "صنعت چاپ" شماره ۱۵۸، ص ۶۰-۴۹ باز تکثیر شده است. گروه ها در اصل نیستند.

۱۶) در بالای هر شماره نشریه "حقیقت" این عبارت به صورت پیوسته درج می گشت: حقیقت "روزنامه ای است اجتماعی طرفدار رنجبران و اتحادیه های کارگران!"

## تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران

اگر اولین برآمدهای کارگری در جریان انقلاب مشروطیت شکل گرفت، موج دوم جنبش کارگری در شرایط بی ثباتی و آشفتگی سیاسی-اجتماعی پس از پایان جنگ جهانی اول آغاز شد. پیروزی دو انقلاب پی در پی فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ روسیه معادلات جهانی را به زیان قدرت های بزرگ به هم ریخته بود و پایان جنگ جهانی اول ضرورت باز تعریف نظم جهانی را به میان کشانده بود. انقلابات روسیه جنبش آزادی خواهی در ایران را تقویت کرد. زمانی که تزاریسیم سرنگون شد و قوای آن در ایران از هم پاشید، نیروهای سیاسی ایران شور و حال زندگی یافتند و کار سازمان دهی و تشکیلات آن ها توسعه یافت. در همین اوان در ایران دستگاه سلطنتی در ضعیف ترین حالت خود قرار داشت؛ دربار احمد شاه هیچ منزلتی نداشت.<sup>۱۷</sup> وزراء به جز در تهران در سایر نواحی قدرتی نداشتند. در تهران نیز بحران سیاسی حاد بود. دولت انگلستان با طرح قرارداد ۱۲۹۸/۱۹۱۹ درصد بود، تشکیلات مالی، نظامی و کشوری ایران به صورت رسمی تحت انقیاد خود در آورد. این طرح در چارچوب نقشه گسترده ای قرار داشت که دولت انگلستان-پس از جنگ جهانی اول- برای استحکام اقتدار خویش در خاورمیانه و هند دنبال می کرد، بر اساس نقشه فوق "زنجیره ای از تحت الحمایه های بریتانیا از صحرای لیبی تا زاگرس - مصر، فلسطین، ماوراء اردن، و عراق- مجموعه ای از دولت های دست نشانده را تشکیل می دادند که از راه های زمینی دستیابی به هند حفاظت می کردند."<sup>۱۸</sup> حلقه ضعیف این زنجیره ایران بود که رسماً به انگلستان وابسته نبود. و قرارداد ۱۲۹۸/۱۹۱۹ در راستای تأسیس یک حکومت تحت الحمایه در ایران تنظیم شده بود. وثوق الدوله نخست وزیر وقت ایران با امضای این قرارداد ننگین خشم مردم ایران را برانگیخته بود. وثوق الدوله با این کار منفور و نام او به عنوان نوکر انگلیس زبان زد مردم شده بود. بدین ترتیب مبارزه علیه مجریان قرارداد بالا گرفت و مخالفین و آزادی خواهان حالت تهاجمی به خود گرفتند.

در آذربایجان آزادی خواهان به پیشکسوتی شیخ محمد خیابانی - انقلابی صاحب نامی که در قفقاز تحصیل کرده و در دوره دوم مجلس شورای ملی نماینده بود- فرقه دموکرات در تبریز را بازسازی کرده بودند. فرقه دموکرات در ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ قیامی را علیه حکومت وثوق الدوله و قرارداد ۱۹۱۹ در تبریز سازمان داد. در مدت دو روز تمام شهر و ادارات دولتی به دست فرقه افتاد. دموکرات ها ۶ ماه قدرت را در تبریز در دست داشتند و نام این خطه را به آزادستان تغییر دادند. در همین زمان جنگی ها به رهبری میرزا کوچک خان نیز نیروی مهمی در شمال کشور محسوب می شدند، آن ها بیشتر مناطق استان گیلان را در اختیار داشتند و در ۱۴ خرداد ۱۳۰۰ در آن جا اعلام جمهوری کردند. همان گونه که در بخش چهارم ذکر آن رفت، در همین حین و بین است که کمونیست های ایرانی پرورش یافته در مکتب بلشویسم، به تجدید سازمان و گسترش تشکیلات خود مشغول بودند. در این هنگام علاوه بر وجود جنبش های پر قدرت اجتماعی در مناطق شمالی ایران و تجدید سازمان نیروهای کمونیست، ملیون و احزاب ملی گرا نیز در تهران به فعالیت مشغول بودند.

اما مخالفت با حکومت مرکزی، فقط مختص نیروهای ترقی خواه نبود. در آن زمان رؤسای ایلات و عشایر نیز سر از اطاعت مرکز پیچیده بودند. جنوب ایران نیز کلاً مستقل از قدرت مرکزی و زیر سلطه مطلق قوای انگلستان قرار گرفته بود. در آن جا دستگاه نظامی ای به نام "پلیس جنوب ایران" زیر فرمان افسران انگلیس ایجاد شده بود که به "اس. پی. آر" موسوم بود. هم چنین نیروهای انگلیس به فرماندهی ژنرالی به نام آیرن ساید- برای مبارزه با قوای جنگلی ها و حکومت شوروی - از منجیل تا قزوین گسترده شده بودند. از سوی دیگر وضع مالی حکومت متزلزل، خزانه تهی و دولت ناتوان از پرداخت حقوق مستخدمین خود بود؛ به نحوی که اغلب آن ها چندین ماه حقوق دریافت نکرده بودند.

در چنین شرایطی که حکومت در ضعف کامل به سر می برد، جنبش های اعتراضی قدرتمند بودند، و نیرو های گوناگون در حال ایجاد گروه، سازمان و حزب بودند، کار سازمان دهی همبستگی نسبتاً پایدار کارگری آغاز شد. این بار نیز در رأس جنبش مطالباتی،

۱۷) احمد شاه آخرین پادشاه قاجار بود که در سال ۱۲۸۸ در سن ۱۲ سالگی بر تخت سلطنت نشست. پدرش محمد علی شاه بود که توسط انقلابیون از سلطنت خلع شد و به تزار پناهنده گشت.

۱۸) سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه: عباس مخبر، طرح نو، تهران، چاپ دوم، ص ۵



کارکنان چاپ قرار داشتند. در این باره یک جا می‌خوانیم که کارگران چاپ با سازمان دهی چند اعتصاب، دولت را وادار به پذیرش قرار داد دسته جمعی و تنظیم مناسبات بین کارگران و کارفرما می‌سازند. این موفقیت روحیه کارگران سایر رشته‌ها را برای ایجاد سندیکا ارتقاء می‌دهد. بدین ترتیب اتحادیه کارگران نانوايي ها، کارگران دست بافی ها، پست و تلگراف و تلفن و بالاخره اتحادیه کارگران کفashi ها یکی پس از دیگری تأسیس می‌شوند.<sup>۱۹</sup> جای دیگری می‌خوانیم: "این اتحادیه (چاپ) پس از یک اعتصاب ۱۴ روزه در ۱۲۹۷/۱۹۱۸ موفق گشت از طریق تحصیل تأیید دولت از قرارداد دسته جمعی، در وضع اقتصادی کارگران بهبودهای چند را ایجاد کند. مهم ترین دست آورد این اعتصاب عبارت بود از ۸ ساعت کار در روز و پرداخت مزد اضافه کار. این پیروزی کارگران چاپ خانه ها که تحت سازماندهی اتحادیه صورت پذیرفت، موجبات تأسیس سایر اتحادیه های کارگری را نیز فراهم آورد. به زودی، یعنی در سال ۱۲۹۸/۱۹۱۹ اتحادیه کارگران نساجی (کارمندان مغازه ها) و اتحادیه کارگران خباز و دیگر اتحادیه ها به وجود آمدند."<sup>۲۰</sup> به جز تهران در سایر استان های ایران به ویژه آذربایجان و گیلان نیز تشکلاتی ایجاد گشتند. طبق گزارش دهگان به دفتر اجرایی بین الملل سندیکاهای سرخ، در تبریز با ۳۰ هزار کارگر، ۳ هزار تن در اتحادیه ها عضویت داشتند. در رشت با ۱۵ هزار کارگر، ۳ هزار نفر در اتحادیه متشکل بودند. در انزلی و حومه آن، اتحادیه کارگران ماهی گیر، ۹ هزار عضو داشت که ۳۰ درصد آنان را روس ها تشکیل می دادند.<sup>۲۱</sup>

البته باید دانست که اغلب تشکلاتی که به نام اتحادیه کارگری در شهرهای شمالی بر پا شدند، خصلت ویژه ای داشتند. اولاً: نقش مهاجرین باز آمده از روسیه در ساختن آن ها بسیار برجسته بود تا خود کارگران بومی. این نهادها بیشتر برای دفاع از حقوق کارگران و سایر اقشار تحت ستم بر پا شده بود تا به دست خود کارگران! ثانیاً: برخی از آن ها ویژگی حزبی داشتند و به زحمت می توان به آن ها اتحادیه کارگری گفت. جالب است بدانیم که در تبریز، سازمانی که از حقوق کارگران دفاع می کرد، خود را نه اتحادیه یا انجمن کارگری بلکه "حزب کارگران" می نامید. علاوه بر این، حزب مذکور که در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ ایجاد شد، بیشتر از منافع کاسب جزء در مقابل مالکین بزرگ دفاع می کرد. در آن زمان در بازار تبریز ۱۷۰ هزار مغازه، انبار، کارگاه و غیره وجود داشت. از این ها ۱۳۰۰ واحد به مالکان کوچک متعلق بود. مالکان بزرگ با استفاده از موقعیت برتر خویش مرتب کرایه مغازه ها را افزایش می دادند و مبلغ قابل توجهی از سود دکان داران را می ربودند. سلطان زاده مینویسد: "اتحادیه تبریز (حزب کارگران) به منظور تشدید تضاد بین مالکین بزرگ و صاحبان مغازه های کوچک بازار، تصمیم گرفت اینان را بر حسب حرفه شان متشکل سازد. جلسه نمایندگان حرفه دفتر عمومی انتخاب نمود که مسایل مهم را در توافق با دفتر اتحادیه تبریز، حل می نمود. بدین سان نه تنها رهبری ایدئولوژیک، بلکه هم چنین رهبری عملی این سازمان وسیع که به دور خود بیش از ۱۲ هزار عضو گرد آورده است، در دست اتحادیه [حزب کارگران] است. مهم ترین تصمیمات مهمور به امضای ارگان اجرایی اتحادیه [حزب کارگران] است. مثلاً در سال گذشته بنابر پیشنهاد اتحادیه، در بازار تخفیف ۲۰ درصد کرایه مغازه از طریق انقلابی تحقق یافت. و از این جاست خشم صاحبان مستغلات بازار [تبریز]. ولی اینان قادر نبودند کاری کنند، زیرا هر مغازه با تکیه بر تصمیم حزب کارگری قاطعانه از پرداخت بیش از ۸۰ درصد کرایه سابق سر باز زد."<sup>۲۲</sup>

این تشکل در میان دکان داران آن قدر نفوذ داشت که می توانست بازار را به تعطیلی بکشاند. چنان که در اکتبر ۱۹۲۱/ آبان ۱۳۰۰ به دنبال ضرباتی که شهردار تبریز به یکی از اعضای حزب زده بود، حزب از استاندار خواست تا شهردار را بر کنار سازد، ولی استاندار از پذیرش این امر سر باز زد. علیه این کار حزب درصدد بر آمد از نفوذ خود استفاده کند و بازار را به تعطیلی بکشاند. ولی به دلیل عقب نشینی استاندار و کسب امتیازاتی، حزب از این کار چشم پوشید.<sup>۲۳</sup>

۱۹) رجوع شود به سلطان زاده، جنبش سندیکایی در ایران، به نقل از اسناد...، جلد ۴، ص ۱۰۷

۲۰) گزارش سید محمد دهگان به دفتر اجرایی بین الملل سندیکاهای سرخ، به نقل از اسناد...، جلد ۶ ص ۱۰۵

۲۱) همان جا، ص ۱۰۶

۲۲) اسناد...، جلد ۴، ص ۱۰۸

۲۳) همان جا، ص ۱۰۹

در انزلی نیز سازمان هایی که به نام اتحادیه تشکیل شده بودند، بیشتر ثمره تلاش های کمونیست ها و به ویژه اعضای فرقه کمونیست ایران بود. حتی نام تشکیلی که آن ها برای کارگران ساخته بودند، به زبان روسی دقیق تر نوشته باشیم معادل روسی واژه اتحادیه بود. یوسف افتخاری می نویسد: "اتحادیه کارگران بندر پهلوی [انزلی] که کارگران [آن را] در آن موقع به نام سایوز می نامیدند (سایوز به زبان روسی یعنی اتحادیه)، فاقد ارزش تشکیلاتی بود، زیرا که اکثر اعضای اتحادیه را باربران گمرک و باربران کشتی ها و باربران کرپس ها تشکیل می دادند که اغلب آن ها دهاتی بوده و علاقه خودشان را از دهات قطع نکرده و در فکر این بودند که مبلغی جمع آوری کرده سر زراعت خود بر گردند. بنابر این به مبارزه طبقاتی چندان علاقه ای نشان نداده فقط به پرداخت حق عضویت و حضور در جلسات اکتفا می کردند و حتی از باربران گمرک عده قلیلی عضویت اتحادیه را پذیرفته بودند. قسمتی از کرجی بانان [بلم رانان] مالک کرجی بودند، چون در مقابل کارفرمای معینی [قرار] نداشتند و مستقیماً از طرف کسی استثمار نمی شدند، لذا مثل یک نفر کارگر صنعتی از اتحادیه حسن استقبال نمی کردند فقط برای حفظ منافع آنی و جلوگیری از پیش آمدهای احتمالی در اتحادیه شرکت می کردند، عده متعصب و فداکار توی آن ها نسبتاً کم بود." افتخاری خاطر نشان می سازد که "کلیه تعلیمات رهبران اتحادیه بندر پهلوی روی اصول مبارزات طبقاتی و تحصیل قدرت جهت تشکیل حکومت کارگری بود." رهبر سیاسی اتحادیه میرزا محمد آخوندزاده (سیروس بهرام) عضو کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران بود. بابا جمال زاده و مشهدی ابراهیم گوگانی نیز رهبران اتحادیه کرجی بانان و باربران بودند. پس از تبعید این رهبران، اتحادیه که پایه صحیحی نداشت، منحل شد.<sup>۲۴</sup>

تأسیس اتحادیه های تهران، با دو نمونه تشکل هایی که وصف آن ها رفت، تفاوت داشت و در ایجاد آن ها نقش خود کارکنان برجسته تر بود. به همین دلیل کوشش، درایت، فداکاری، استقلال رای و خود آگاهی بیشتری از کارگران می طلبید.

همان گونه که گفته شد کار سازماندهی جدی اتحادیه ها، توسط کارکنان چاپ تهران آغاز شد. اتحادیه چاپ گران که از زمان مشروطیت بنیاد گرفته بود، با پیوستن سازمانگر برجسته ای به نام سید محمد دهگان به آن تقویت شده، کار ظریف و پیچیده همسته نمودن اتحادیه های مختلف را در مقابل خود قرار می دهد. دهگان کارگر نبود، ولی در کار مطبوعات دست داشت و جزو کارکنان رشته چاپ محسوب می شد. وی نقش اساسی در سازمان دهی شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایفا کرد. نظر به اهمیت کار وی لازم است مختصری پیرامون زندگی ایشان نوشته شود.

### سید محمد دهگان

پدر دهگان از اهالی کاشان بود. سید محمد تقی نام داشت، مقلب به عندلیب کاشانی بود و ذوق شعر داشت. آن گونه که خود دهگان می گوید، پدرش حدود سال ۱۲۵۶ شمسی به روسیه مهاجرت کرده است. طالبوف ادیب معروف و مقاطعه کار ایرانی مقیم روسیه با عندلیب کاشانی مناسبات نزدیکی داشت، به همین دلیل سرپرستی دهگان را به عهده گرفته بود و مخارج تحصیل وی را می پرداخت. بخش بزرگی از زندگی دهگان در قفقاز گذشت. در زمان انقلاب ۱۲۸۳/۱۹۰۵ روسیه دانش آموز بود. وی دیپلم خود را از مدرسه عالی روسیه گرفت. فعالیت فرهنگی و کمک به ایرانیان از جمله کارهایی است که دهگان در روسیه انجام داده است. خود او می نویسد: "آثار فعالیت که از بنده به یادگار مانده، "انجمن خیریه ایرانیان و مدرسه مجیدیه ایرانیان تمر خانه شوره"، "مدرسه نجات ایران کرزوتی" و پانصد جلد کتابی است که به کتاب خانه "مدرسه اتحاد ایرانیان" بادکوبه هدیه داده ام..."<sup>۲۵</sup>

دهگان در سال ۱۲۹۰ به ایران بازگشت. دو سال ریاست کمپانی زینگر را به عهده داشت. در سال ۱۲۹۸ مدتی به عنوان مدیر داخلی روزنامه رعد که مدیر مسئول آن سید ضیاءالدین<sup>۲۶</sup> بود، کار کرد. در این روزنامه به اتفاق همکارانش اتحادیه ای بر پا نمود، اما

(۲۴) افتخاری، یوسف، خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری) ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۹، به کوشش: کاوه بیات، مجید تفرشی، انتشارات فردوس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰، ص ص ۱۱۱-۱۱۰، کروشها در اصل نیستند.

(۲۵) "در جواب تهمت ها"، به نقل از روزنامه حقیقت، شماره ۵۹، ۲۳ فروردین ۱۳۰۱

(۲۶) سید ضیاءالدین طباطبایی همان فردی است که با همکاری رضا خان میر پنج، مازور مسعود خان، سرهنگ احمد آقا خان (امیر احمدی) و کنل کاظم خان (سیاح)، مشترکاً کودتای معروف ۳ اسفند ۱۲۹۹ را عملی ساختند. کودتاچیان ضمن اعلام حکومت نظامی به احمد شاه اعلام وفاداری نمودند. اما از شاه خواستند که رسماً سید ضیاءالدین را نخست وزیر و رضا خان را به سردار سپه

تشکیل اتحادیه با مخالفت مدیر مسئول روزنامه رعد رو به رو گشت. شکرالله مانی در این باره از زبان سید ضیاءالدین نقل می کند: "دیروز در سفارت انگلیس موسیو هاوارد رئیس شعبه سیاسی سفارت سخت از من گله کرد و گفت: (در مطبوعه شما اتحادیه کارگران چاپ خانه تشکیل شده!) بدیهی است همان طور که من به حیثیت کارکنان روزنامه علاقه مند می باشم توقع دارم آقایان راضی نشوند آبروی من در سفارت خانه بریزد. عجلتاً تمنا دارم هر یک از آقایان به همکاری من مایلند دست از کار اتحادیه و اجتماعات مشابه آن بردارند. و هر یک مایل به ادامه خدمت نباشند مختارند."<sup>۲۷</sup> بدین ترتیب دهگان که عمیقاً به کار اتحادیه ای معتقد بود، از شغلش چشم پوشید و به قیمت بیکار شدن خود به مبارزه ادامه داد. سال های ۱۳۰۱-۱۲۹۸، دوره اعتلای فعالیت های او در راستای سازمان دهی اتحادیه ها بود. در نیمه دوم سال ۱۳۰۰ تحت مدیریت او "خیزلند" برداشته شد و شورای مرکزی اتحادیه های کارگری بنیاد گرفت. مدت کوتاهی بعد روزنامه حقیقت منتشر شد که وی مدیر مسئول آن بود. حقیقت تا تیر ماه ۱۳۰۱ منتشر و سپس توقیف شد. چند بار حکومت در صدد دستگیر نمودن وی بر آمد. پسرش می گوید: هم زمان با توقیف حقیقت مامورین برای دستگیر کردن دهگان به خانه اش می ریزند و دست خالی برمی گردند.<sup>۲۸</sup> زیرا وی مخفی شده بود. در نیمه دوم ۱۳۰۱ از سوی اتحادیه ها به عنوان نماینده برگزیده و به چهارمین کنگره بین الملل سندیکاهای سرخ اعزام شد. اما از سال ۱۳۰۲ اطلاعات مشخصی در باره فعالیت های اجتماعی- سیاسی او در دست نیست. به نظر می رسد از این مقطع از فعالیت کناره گرفته باشد. مانی اشاره دارد که یک سال پس از توقیف روزنامه حقیقت او به مازندران رفت و به کشت پنبه پرداخت. مدتی بعد دستگیر شد. در زندان به بیماری رماتیسم دچار گشت. پس از تاج گذاری رضا شاه (۱۴ اردی بهشت ۱۳۰۵) مشمول "عفو عمومی" قرار گرفت و آزاد شد.<sup>۲۹</sup> در یک گزارش که از سوی "تشکیلات کل نظمیه مملکتی" داده شده و تاریخ آن ۱۳۰۹/۱/۲۲ است، اشاره گشته که در این سال دهگان در بارفروش (بابل) کارمند بانک روسیه بوده است.<sup>۳۰</sup> "سرانجام به گفته فرزندش، توسط عنصری مرموز در چهارم شهریور ۱۳۲۰ در توسیرکان مسموم گردید و برای معالجه به همدان برده شد و در بیمارستان پهلوی آن شهر بستری گردید و در اول مهر ماه ۱۳۲۰، هنگامی که در حدود پنجاه سال عمر کرده بوده، در همان جا در گذشت و در گورستان بابا طاهر مدفون [به خاک سپرده] شد. بعدها در نتیجه تبدیل آن گورستان به پارک، از گور آن مبارز عدالت خواه نشانی باقی نماند."<sup>۳۱</sup>

به لحاظ دیدگاه اجتماعی، دهگان مارکسیست بود. همان گونه که اشاره شد، دوره دانش آموزی وی در روسیه مصادف با انقلاب ۱۹۰۵ بود. خود او می نویسد که در آن ایام جریان های انقلابی و بینش های سوسیالیستی در شکل گیری افکار محصلین تأثیر خارق العاده داشته است.<sup>۳۲</sup> چنین اثری در آثار و مقالات دهگان هویدا است. از جمله کارهای ادبی وی ترجمه "مانیفست حزب کمونیست" تألیف کارل مارکس و فریدریش انگلس به زبان فارسی است. هم چنین قسمتی از برنامه ارفورت اثر کارل کائوتسکی را به فارسی بر گرداند که در چند شماره نخستین "حقیقت" درج گشت. در پیش گفتاری که بر ترجمه فوق نوشت، ذکر نموده بود: "و هر وقت

ای منصوب نماید. شاه پذیرفت. از آن زمان رضا خان ملقب به سردار سپه شد. سید ضیاء الدین از اسفند ۱۲۹۹ تا ۴ خرداد ۱۳۰۰ نخست وزیر ایران بود. پس از آن از وزارت خلع و به خارج تبعید شد. سید دوباره- در زمان جنگ جهانی دوم- به ایران بازگشت و حزب اراده ملی را بنیاد نهاد. در دوره ۱۴ مجلس به نمایندگی رسید. او با سفارت انگلیس رابطه نزدیک داشت. سید در سال ۱۳۴۸ در سن ۸۰ سالگی مرد.

(۲۷) مانی، شکرالله، تاریخچه نهضت کارگری در ایران، انتشارات؟، چاپ دوم، تهران، اردی بهشت ۱۳۵۸، ص ۱۲

(۲۸) رجوع شود به "آخرین سنگر آزادی"، مجموعه مقالات میر جعفر پیشه وری در روزنامه حقیقت، ارگان اتحادیه عمومی کارگران ایران ۱۳۰۱-۱۳۰۰، به کوشش: رحیم رییس نیا، نشر شیرازه، چاپ اول: ۱۳۷۷، ص ۳

(۲۹) مانی، همان جا، ص ۳۳-۳۱

(۳۰) رجوع شود به فعالیت های کمونیستی در دوره رضا شاه (۱۳۱۰-۱۳۰۰)، به کوشش: کاوه بیات، انتشارات سازمان اسناد ملی

ایران، چاپ اول، ص ۱۴۳

(۳۱) رییس نیا، رحیم، همان جا، ص ۳۷۵، کروش به اصل نیست.

(۳۲) رجوع شود به مقاله دهگان در حقیقت، شماره ۶۷، ۷ اردی بهشت ۱۳۰۱

رنجبران برای دفاع حقوق خود قدم به میدان مبارزه میگذارند، حکومت‌ها بی رحمانه آن‌ها را هدف گلوله قرار داده و آن‌ها را به اسم دشمنان ملت و یاغیان متهم می‌سازند.<sup>۳۳</sup>

برخی از سرمقاله‌های حقیقت به قلم دهگان نوشته شده است. در سرمقاله‌هایی که تحت عنوان "فشار اقتصادی و بحران حیات" نوشت و در چند شماره حقیقت درج گشت، فرآیند سلطه سرمایه داران غرب بر سرنوشت بشریت و ملل شرق را به لحاظ تاریخی و تحلیلی شرح داده، نتیجه گرفته است: "امروز اگر فضای آسمان را صدای ناله و ضجه پر کرده است، اگر از چشمان ضعفا و پیرمردان و بیوه زنان و یتیمان جوی‌های اشک روان است، اگر قسمت اعظم بشریت پس از تحمل مشقات و ۱۶ ساعت کار و زحمت، عاجز از تهیه مایحتاج زندگانی خود هستند، اگر... و اگر...، بانی تمام این بدبختی‌ها بر گردن همان بورژوازی است." ۳۴ در سرمقاله دیگری به نام "بورژوازی و عمال آن" به صداهایی که بر ضد اتحادیه‌های اجزای دوایر دولتی بلند شده بود انتقاد نمود. ۳۵ و در جای دیگری (سالوسی سیاه) به دفاع از اتحادیه‌ها پرداخت و آن‌ها را به مثابه "به وجود آورنده موازنه در حیات ناموزون"، موجب "سعادت طبقه کارگران" دانست. ۳۶

جالب است بدانیم، دهگان "بنیاد ظلم" اثر پتر آلکسیویچ کروپوتکین (Kropotkin) [۱۹۲۱-۱۸۴۲] را ترجمه کرده است. این ترجمه از شماره ۶۰ "حقیقت" در چند شماره این روزنامه به صورت پاورقی درج گشت. کروپوتکین یکی از شخصیت‌ها و نظریه پردازان برجسته آنارشیسم (ضد اقتدار گرایی) بود و ناگفته پیداست که مخالف بلشویسم، نظریه‌های لنینی و اقتدار احزاب بود. لنین در اثر مهم خود (دولت و انقلاب)، کروپوتکین را سوسیال شوونیست و آنارشیست سنگر نشین نامیده است. شایع است که دهگان عضو فرقه کمونیست ایران بوده است. از جمله فلور این ادعا را مطرح می‌کند.<sup>۳۷</sup> کامبخش - یکی از رهبران حزب توده ایران - پا را فراتر گذاشته، او را عضو کمیته مرکزی فرقه قلمداد می‌کند.<sup>۳۸</sup> متأسفانه از خود دهگان در این مورد سخنی به یادگار نمانده است و این قضاوت را دشوار ساخته، باعث رواج بازار حدس و گمان و شایعه شده است.

در کتاب "آخرین سنگر آزادی" از زبان سلام الله جاوید، که در آن دوره از فعالان فرقه کمونیست ایران بوده و چند ماه پس از توقیف روزنامه حقیقت به تهران آمده می‌خوانیم: "در جریان تشکیل حزب عدالت در تهران، مخصوصاً پس از آمدن حیدر عمو اوغلو [اوغلی] بر سرکار، بر تعداد کسانی که به حزب عدالت می‌پیوستند، افزوده شد. سپس نویسنده از جمله این کسان نام دهگان را آورده، و خاطر نشان می‌سازد: "پس از انتشار خبر کشته شدن عمو اوغلو [در اواخر مهر ۱۳۰۰] وضع دگرگون شد و در تشکیلات سستی راه یافت...". رحیم رئس نیا، با این توضیح که خاطرات سلام الله جاوید چنین بر می‌آید که دهگان پس از مرگ عمو اوغلی نیز به همکاری با حزب ادامه داده است؛ به درستی تصریح می‌کند: "با این همه سندی دال بر شرکت دهگان در کمیته‌های حزبی در دست نیست."<sup>۳۹</sup>

میر جعفر پیشه‌وری - عضو کمیته مرکزی فرقه کمونیست - هم در زمان اسارت خود، اظهاراتی در باره موضوع مورد نظر ما دارد. وی به تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۰۹ تحت بازجویی‌های مسطنتقِ نظمیه دوره رضا شاه، در مقابل پافشاری بازپرس که از او اسامی "هیئت کمونیستی سنه ۱۳۰۲" را می‌خواست، پاسخ می‌دهد:

"پیشه‌وری: آن‌هایی را که در نظر است عبارت بود از سید محمد خان دهقان [دهگان]، آخوند زاده که در [بندر] پهلوی بود، کریم حسن اف که معروف بود به اسمعیل فارس [منظور کریم نیک بین است]، رضا قلی [عبدالله زاده سیفی] بود که در مطبوعه کار می‌کرد.

بازپرس: هیئت مدیره کی بود؟

۳۳ (حقیقت، شماره ۱، ۹ دی ماه ۱۳۰۰)

۳۴ (حقیقت، شماره ۲۱، ۲۳ بهمن ۱۳۰۰)

۳۵ (حقیقت، شماره ۱۰، ۲۸ دی ۱۳۰۰)

۳۶ (حقیقت، شماره ۲۹، ۴ اسفند ۱۳۰۰)

۳۷ (فلور، همان جا، ص ۲۶)

۳۸ (کامبخش، عبدالصمد، "نظری به پنجاه سال فعالیت حزب طبقه کارگر در ایران"، دنیا، سال ۱۳۴۹، شماره دوم، ص ۱۰)

۳۹ (رئیس نیا، همان جا، ص ص ۳۶۹-۳۷۰)

پیشه وری: اسمعیل فارس بود، دهقان [دهگان] مدیر جریده حقیقت و رضا قلی بود و بنده هم بودم و آخوندزاده هم جزء هیئت بود، ولی در بندر پهلوی بود.

باز پرس: غیر از این عده کسان دیگری نبودند؟

پیشه وری: آن موقعی که بنده بودم نبودند کسی.

بار پرس: این کمیته به چه نام و مرامی بود؟

پیشه وری: حزب کمونیست بود. ۴۰

البته باید دانست، اسنادی که در کتاب نامبرده چاپ شده، نشان می دهد که پیشه وری در هیچ یک از مراحل بازجویی و دادگاه، اطلاعات خود را به مأمورین حکومت فاش نکرده است. او یا به انکار گفته های بازپرسان نظمیۀ پرداخته و یا اطلاعات گم راه کننده و ساختگی به آن ها داده است. بنابر این اظهارات پیشه وری زیر بازجویی را نمی توان به عنوان یک سند قابل اتکاء به حساب آورد. به هر ترتیب، اگر هم این شایعه که دهگان عضو فرقه بوده است، صحت داشته باشد، پس بر اساس آثار، مقالات و موضع گیری های وی می توان قضاوت کرد، که او "روی موضع" حزب خود نبوده است. ما باز هم به دهگان و روزنامه حقیقت می پردازیم. اینک به موضوع خود باز می گردیم.

پس از جنگ جهانی اول، وقتی که کارکنان چاپ پایه های اتحادیه خود را مستحکم کردند، از انتقال تجارب خویش به کارگران سایر صنوف غافل نماندند. فعالین اتحادیه چاپ در میان سایر کارگران به روشنگری می پرداختند و آن ها را تشویق و ترغیب می نمودند که اتحادیه تشکیل دهند. فعالیت تهییجی آن ها مؤثر می افتاد و توسط توده کارگران درک و مورد حمایت عملی قرار می گرفت. مانی کارگر پارچه باف نمونه ای از روشنگری آن ها را نقل می کند. او شرح می دهد که چگونه تحت تأثیر احمد لامع از کارگران چاپ قرار گرفته و به تشکیل اتحادیه ترغیب شده است: "... در اثنای زمستان گذشته [۱۳۰۰] در قهوه خانه محل رفیقی پیدا کرده بودیم نامش احمد لامع و از کارگران مطابع تهران بود، می گفت ما اتحادیه داریم. روزنامه حقیقت ارگان ماست مدیر روزنامه حقیقت هم مدیر اتحادیه ما می باشد، از حقوق کارگران دفاع می کند. مقاصد و حوایج ما را مجاناً در روزنامه می نویسد. هر یک از صاحبان مطابع در حق کارگران تعدی یا اجحاف کند به دستور اتحادیه کارش را تعطیل می کنیم... خلاصه رفیق ما به قدری از محسنات اتحادیه و روزنامه حقیقت توصیف کرد که ما عاشق اتحادیه شدیم و گفت من حاضرم اگر شما مایل به تشکیل اتحادیه باشید مدیر اتحادیه خودمان را بیاورم تا دستور تشکیلات را به شما بیاموزد و اتحادیه شما را به مرکز کل اتحادیه ها معرفی نماید تا به پشتیبانی اتحادیه مرکزی و قدرت تمام کارگران تهران هر مهمی را از پیش ببرید، چه بهتر از آن است که شما هم مانند ما اتحادیه داشته باشید..."<sup>۴۱</sup>

بدین ترتیب مقدمه تأسیس اتحادیه نساجان فراهم می گردد. هنوز نطفه اتحادیه بسته نشده بود که کارگران نساج به پشت گرمی نخستین بارقه های همبستگی خود دست به اعتصاب می زنند. در آن زمان صاحبان نساجی ها درصدد بودند، به کارگران در مقابل بافتن هر ذرع پارچه یک عباسی کم تر از سابق بپردازند. علیه کاهش دستمزدها، روز یکشنبه ۳ اردی بهشت ۱۳۰۱ اعتصاب می شود و کارفرمایان وادار به عقب نشینی می گردند. یک روز بعد کارگران با موفقیت سر کار می روند. خبر این اعتصاب در شماره ۶۹ "حقیقت"، مورخ ۱۰ ثور (اردی بهشت) ۱۳۰۱ درج می گردد.

چند روز بعد زمینه دیدار رو در روی سید محمد دهگان با کارگران پارچه باف فراهم می شود. وی شخصاً برای سر و سامان دادن کار اتحادیه نساجان به قهوه خانه چاله حصار، که در محل کارگاه های پارچه بافی واقع شده بود، می رود. از کارگاه ها بازدید می کند و مقدمات تأسیس اتحادیه را فراهم کرده برای کارگران کارت عضویت صادر می کند.<sup>۴۲</sup> بدین ترتیب روز شنبه ۱۶ اردی بهشت

(۴۰) به کوشش بیات، کاوه، همان جا، ص ۱۳۳، کروشۀ ها در اصل نیستند.

(۴۱) مانی، همان جا، ص ۸، کروشۀ در اصل نیست.

(۴۲) مانی، همان جا، ص ۹

۱۳۰۱ اتحادیه نساجی ها رسماً افتتاح می شود. کارگران از میان خود ۱۵ نماینده انتخاب می کنند و ۳ نفر از آن ها به شورای مرکزی اعزام می شوند. عده کارگران نساج تهران در آن زمان ۷۰۰ نفر بود.<sup>۴۳</sup>

در نیمه دوم سال ۱۳۰۰ به مدیریت دهگان شورای مرکزی اتحادیه های کارگری در تهران بنیاد گرفت. به مرور شورا ۹ اتحادیه را به هم پیوند داد که عبارت بودند از اتحادیه کارکنان چاپ، نانوایان، کفشان، دلاکان، داروسازان (عطاران!)، کارگران ساختمانی، خیاطان، نساجان و کارکنان شهرداری. مدت کوتاهی بعد اتحادیه کارکنان پست و تلگراف و اتحادیه معلمان نیز به شورا پیوستند.

از هر اتحادیه ۳ نماینده در شورای مرکزی عضو بودند.<sup>۴۴</sup> عده نمایندگان کارگران در شورای مرکزی به ۳۰ تا ۴۰ نفر می رسید. در آغاز جلسات شورا شب های جمعه در اداره روزنامه حقیقت (خیابان تختی، کوچه غفاری) و بعداً در یکی از منازل خیابان نصریه و یا اول بازار برگزار می گشت.<sup>۴۵</sup> با در نظر گرفتن بی تجربگی کارگران در عرصه سازماندهی اتحادیه ای و ماهیت عقب مانده صنایع ایران، ایجاد اتحادیه در هر رشته جداگانه، و برقرار نمودن پیوند میان آن ها کار ساده ای نبود. هم چنان که ملاحظه می شود، از میان تشکلات بالا ۶ اتحادیه - با به حساب آوردن اتحادیه داروسازان - به بخش صنعت تعلق داشت. هر یک از این اتحادیه ها ناچار بودند، کارگران کارگاه های کوچک و بسیار پراکنده را درون خود سازمان دهند. سازمان گران برای انجام چنین کاری با مشکلات عدیده ای رو به رو بودند. زیرا اولاً: کارگاه های کوچک به حدی بی سامان بودند که کم تر کارگری می توانست در یک کارگاه واحد بیش از چند ماه سابقه کار داشته باشد. کار در این کارگاهها حالت موقت داشت و کارگر ناچار بود، مادام میان این یا آن کارگاه بچرخد. او مرتباً در حال تعویض محل کار خود بود، چند ماه این جا چند ماه آن جا! بنابر این کارگران یک کارگاه مشخص به ندرت به گونه دراز مدت، در کنار یک دیگر کار می کردند. این حالت میزان شناخت کارگران را از یک دیگر محدود می ساخت و فرصتی برای وحدت آنها ایجاد نمی کرد. ثانیاً: مشکل دیگر پراکندگی کارگاه ها بود. در یک کارخانه بزرگ پیوند میان بخش های گوناگون آن آسان تر برقرار می شود. ولی در کارگاه های کوچک که در سطح شهر پراکنده اند، چنین کاری تنها با تلاش های بسیار امکان پذیر می گردد و به سازمان دهندگان کار کشته نیاز دارد که در آن زمان به ندرت وجود داشتند. مثالی بزنیم. اگر چه آماری در مورد تعداد کارگاه های تهران در دسترس ما نیست، ولی اگر نمونه کارگاه های خیاطی مشهد را در سال ۱۳۰۸ در نظر بگیریم، پی می بریم که در آن زمان تعداد ۱۶۶ کارگاه خیاطی در آن سامان وجود داشته که در نواحی مختلف شهر پراکنده بوده اند. در این کارگاه ها مجموعاً ۶۷۹ نفر شاغل بوده اند و در بزرگ ترین آن ها فقط ۱۵ کارگر مشغول کار بوده اند.<sup>۴۶</sup> بدین ترتیب سازمان گران اتحادیه ناچار بودند برای گردآوری ۶۷۹ نفر شاغل زیر سقف یک اتحادیه، ۱۶۶ کارگاه را مد نظر قرار داده، به مسایل آن ها توجه کنند. این تازه در مورد اتحادیه ای است که اعضای آن درون کارگاه ها کار می کردند. وظیفه فعالین اتحادیه کارگران رشته ساختمان از این هم شاق تر بود. زیرا این دسته از کارگران اساساً محل ثابتی نداشتند، و در دوران های رونق کار ساختمان و راه سازی به کار گرفته می شوند. بنابر این فعالین اتحادیه اگر می خواستند استمرار حیات سازمان خود را تضمین کنند، چاره ای به جز این نداشتند که عده ای را به طور جدی در خدمت برقراری ارتباط میان واحدهای تولیدی جدا افتاده از یک دیگر قرار دهند. البته باید دانست که هیچ سندی دال بر انجام چنین کاری در آن زمان وجود ندارد و به نظر نمی رسد که سازماندهی اتحادیه های ایران به این درجه از رشد رسیده باشد.

ثالثاً: دشواری دیگر مسئله مالی بود. نخستین ضروریات اولیه برای سر و سامان دادن به اتحادیه های کارگاه های پراکنده تهیه محل و دفتری بود، برای تشکیل جلسات و رجوع سایر کارگران به آن جا،<sup>۴۷</sup> اگر کارگران کارخانجات بزرگ قادر بودند در همان محل کارخانه خود با یک دیگر دیدار نمایند و جلسه برگزار کنند، کارگران کارگاه های پراکنده برای این کار ناچار بودند ساختمانی اجاره

(۴۳) "حقیقت" شماره ۷۸، ۲۲ ثور ۱۳۰۱، ص ۲

(۴۴) به نقل از اسناد...، جلد ۶، ص ۱۰۵

(۴۵) مانی، همان جا، ص ۱۱

(۴۶) رجوع شود به ستاره سرخ، شماره ۳-۴، خرداد و تیر ماه ۱۳۰۸، جمع آوری شده در ستاره سرخ ارگان مرکزی فرقه کمونیست ایران، ۱۳۱۰-۱۳۰۸، به همراه گفتاری در باره مجله ستاره سرخ و تاریخچه حزب کمونیست ایران، به کوشش: حمید احمدی (ناخدا)، ناشر: نشر باران، چاپ اول ۱۹۹۳، ص ۱۱۳

(۴۷) امروز هم یکی از مشکلات کارگران کارگاه های کوچک ایران برای تأسیس اتحادیه های خود تأمین مکان و تهیه اجاره بهای آن است.

کنند، تهیه این محل به امکانات مالی نیاز داشت. گوشه ای از مشکل مالی را می توانستند از طریق کمک های مالی کارگران رفع کنند، ولی با توجه به بنیه مالی پایین کارگران، این مساعدت ها به تنهایی بسنده نمی کنند. از سوی دیگر دریافت منظم همین مبلغ ناچیز احتیاج به وجود یک کمیسیون مالی در هر اتحادیه جداگانه داشت که سندی دال بر وجود آن در دسترس نیست. با وجود این موانع ساختاری و دشواری ها، اطلاعاتی که دهگان در باره تعداد اعضای اتحادیه های مختلف در دو سال اول تأسیس اتحادیه ها ارائه می دهد، نشان گر استقبال کارگران از اتحادیه ها است. از آمار دهگان ترجمه های مختلفی به زبان های آلمانی و فرانسوی صورت گرفته که ذیلاً هر دو آن ها درج می گردد.

جدول شماره ۱

### اتحادیه ها و اعضای آن ها در تهران ۴۸

اسم اتحادیه	تعداد/اعضاء	تعداد/اعضاء
	ترجمه آلمانی	ترجمه فرانسوی
خیابان	۳۰۰۰	۳۰۰۰
خیاطان	۲۰۰۰	۲۰۰۰
کفاشان	۱۸۰۰	۱۸۰۰
کارمندان پست و تلگراف	۹۰-۳۵۰	۲۷۰
قنادها	۹۰-۳۵۰	۳۰۰
چاپ خانه ها	۹۰-۳۵۰	۱۸۰
شاگرد مغازه ها	۹۰-۳۵۰	۳۵۰
کارمندان تجارت خانه ها (میرزاها)	۹۰-۳۵۰	۲۵۰
کارگران زر دوزی	-	۱۵۰
جمع	۷۲۵۰-۸۵۵۰	۸۳۰۰

از دهگان نقل شده است که وی شمار کارگران تهران را ۵۰ هزار تن تخمین می زده است.<sup>۴۹</sup> با این حساب طبق جدول بالا حدود ۱۶ درصد کارگران تهران عضو اتحادیه ها بوده اند. این نسبت با توجه به کمبود تجربه و سنت سازمان گری اتحادیه ای دستاورد بزرگی است و نشان دهنده اشتیاق کارگران به متشکل شدن و موفقیت کارگران مجرب در کنار زدن موانع متعدد است. اما تأسیس اتحادیه ها و گرد آمدن کارگران حول آن ها بخشی از کار است. بخش دیگر و مهم تر میزان انسجام درونی، درجه دخالت کارگران در امور اتحادیه و نیز مراتب تعلق خاطر کارگران به آن و آمادگی آن ها برای دفاع از موجودیت آن است. دهگان در باره این موضوعات که اتحادیه ها در هر رشته ای به چه ترتیب تشکیل شدند و ساختار درونی آن ها چگونه بود، سخنی نمی گوید. اساساً پیرامون نحوه ارتباط گیری کارگران کم تر مطلبی نوشته شده است. به جز اتحادیه صنعت چاپ و اظهارات مانی در باره نساجان، اصلاً سندی در دست نیست که مثلاً چگونه خیاطان، کفاشان، زر دوزها و شاگردان مغازه ها متشکل شده اند. از وجود کمیسیون های تشکیلات، تبلیغات، حل اختلافات و مالی که نشانگر وجود یک ساختار منسجم اتحادیه ای در هر رشته تولیدی و خدماتی است، خبری در میان نیست. شاید بتوان از روی سنتی که تا به امروز نیز برای تأسیس اتحادیه صنوف برقرار است، حدس

۴۸) اسناد...، جلد ۶، ص ۱۰۵

۴۹) همان جا، ص ۱۰۶

زد که در آن زمان نیز ابتدا عده ای از کارگران مصمم تر از هر صنف گرد هم آمدند و به عنوان هیئت مؤسس اتحادیه را بر پا کردند. سپس سایرین را دعوت به پیوستن و همکاری با آن نموده اند. از این جا سرنوشت اتحادیه بستگی به این دارد که سایر کارگران تا چه اندازه خود را در حیات آن دخالتگر بدانند. برای تقویت آن نیرو بگذارند و آن را متعلق به خود بدانند. تا چه اندازه آماده هستند برای دفاع از موجودیت آن خود را به خطر بیاندازند و فداکاری کنند و در یک کلام در کنار مؤسسين مغز، عضلات و استخوان بندی اتحادیه را تشکیل دهند. ماندگاری و دوام هر اتحادیه مستقلی به این عوامل بستگی دارد. اگر نیاز به وجود اتحادیه در کارگر قوی باشد، در صورت سرکوب شدن آن نیز باز ضرورت دوباره سازی آن در ذهن او باقی می ماند و به محض فراهم شدن شرایط مناسب در این راستا گام بر می دارد. بدون دخالت گری کارگران و وجود این روحیه که کارگر تشکل را متعلق به خود بداند، موجودیت اتحادیه های مستقل، موقت و گذرا خواهد بود.

### روزنامه حقیقت

مدت کوتاهی پس از تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگری ایران، در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۰۰، نخستین شماره "حقیقت" به مدیریت دهگان منتشر شد. "حقیقت" در آغاز هفته ای ۳ بار در روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه چاپ می شد. اما از شماره ۱۹ (۲۰ بهمن ۱۳۰۰) همه روزه به جز روزهای بعد از ایام تعطیل به قطع بزرگ طبع می گشت. این روزنامه خود را "اجتماعی و طرف دار رنجبران و اتحادیه های کارگران" معرفی نموده و شعار آن عبارت "رنجبر روی زمین اتحاد" بود که در بالای صفحه اول هر شماره درج می گشت. صاحب امتیاز روزنامه تا شماره ۷۹ "ع. بهبهانی" بود. اما از شماره ۸۰ (۲۵ اردی بهشت ۱۳۰۱) نام کسی به عنوان صاحب امتیاز "حقیقت" ذکر نمی شد و تنها نام دهگان به عنوان "مدیر مسئول" قید می گشت. قیمت هر نسخه آن ابتدا یک عباسی و سپس بین ۴ تا ۶ شاهی بود. شماره گان آن را ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ذکر کرده اند. مانی می گوید: "روزانه ۴۰۰۰ برگ تک فروشی در تهران داشت... ۵۰ "حقیقت" پر تیراژ ترین روزنامه زمان خویش محسوب می شد.

در چند شماره نخستین روزنامه، دهگان خبر از تأسیس شرکتی برای انتشار حقیقت داده بود. وی با چاپ اطلاعیه ای، از اشخاص دعوت کرده بود که سهام شرکت مذکور را خریداری کنند. قیمت هر سهم از قرار ۵ تومان تعیین شده بود. اطلاعیه فوق تصریح داشت: "فقط به اشخاصی که جزو طبقه رنجبر محسوب می گردند، سهم فروخته میشود." ۵۱

"روزنامه حقیقت توسط یک هیئت تحریریه اداره" می شد. ۵۲ به جز دهگان، اشخاصی مثل سیدجعفرپیشه وری (عضو کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران)، ابوالفضل لسانی و میرزا حسین خان امید (هر دو عضو اتحادیه معلمین)، بهمن شیدانی و چند نفر دیگر هم در روزنامه می نوشتند.

"حقیقت" خود را در خدمت سعادت مردم می دانست و به اشراف می تاخت. در سر مقاله اولین شماره آن تحت عنوان "حقیقت" می خوانیم: "پس قلم را به دست گرفتیم و تا زمانی که آن را تشکستند می نویسیم و سعادت حقیقی را به رفقای خود می گوییم. مرام ما فقط بیداری عموم مردم است. ما مثل خیلی ها تندرو نیستیم. از عدم، موجودی طلب نمی کنیم... ما نان کسی را از دستش نمی گیریم و به سعادت همه حتی آن ها که امروز ما را دشمن خود تصور می کنند خدمت می کنیم. سعادت و آسایش برای همه." ۵۳

وظایفی که در مقابل خود گذاشته بود در سر مقاله شماره ۷۵ "حقیقت" به نحوه زیر تشریح شده بود: "ما می خواهیم تا اندازه ای به وظیفه خود عمل نموده در معاصر نمودن ملت و آبادی مملکت و اصلاح معایب بکوشیم. ما می خواهیم اصول اشرافی، مفت خواری، دین فروشی، ریاکاری و ملوک الطوائفی از میان برداشته شود. ما می خواهیم به قدر امکان از حقوق کارگر، فلاح، مستخدم و سایر اصناف زحمتکش مدافعه کنیم. این است قصد و غرض ما... ما صاحبان وظیفه را یکی می دانیم، وزیر به زارع [و] وکیل به کارگر حق

۵۰ (مانی، همان جا، ص ۱۶)

۵۱ (حقیقت، شماره ۷۰، ۱۱ اردی بهشت ۱۳۰۱)

۵۲ (در این باره رجوع شود به رحیم رئیس نیا، همان جا، ص ص ۵-۲)

۵۳ (حقیقت، شماره ۱، ۹ دی ماه ۱۳۰۰)



تفوق ندارد. اما حکومت ها، صاحب منصبین، طبقات دارا و روشنفکران متملق تاب تحمل روشنگری "حقیقت" را نداشتند. این روزنامه جزو نخستین جرایدی بود که ممنوع انتشار شد. عمر حقیقت به ۶ ماه هم قد نداد. در ۶ تیر ماه ۱۳۰۱، زمان صدارت قوام السلطنه، توقیف شد و علی رغم تلاش هایی که برای انتشار مجدد آن صورت گرفت، دیگر هرگز طبع نگشت.

محمد صدر هاشمی مؤلف "تاریخ جراید و مجلات ایرانی" می نویسد: "در روزنامه طوفان شماره ۲۷ سال دوم مورخ ۱۸ عقرب [آبان] ۱۳۰۱ شمسی به عنوان اعتراض بر توقیف مجدد روزنامه حقیقت این طور می نویسد: پس از انتشار بیانیه ۳۱ جوزا [خرداد] و توقیف جراید و آزادی آن ها به موجب بیانیه ۱۷ محرم آیا توقیف ثانوی قصاص قبل از جنایت نیست."

بعداً به موضوع توقیف جراید می پردازیم، ولی اکنون نیز می توان از خبر مذکور دانست که تعدادی از جراید توقیف و سپس آزاد شده اند، اما "حقیقت" هم چنان ممنوع انتشار باقی مانده است. مؤلف نامبرده خاطر نشان می سازد که او از روزنامه "حقیقت" تا شماره ۱۰۴ مورخ جمعه دوم تیر ماه را در دست دارد. جای دیگری می خوانیم که مجموعه ای از ۱۰۵ شماره "حقیقت" در کتاب خانه ملی تهران نگهداری می شود و نسخه ای از شماره ۱۰۶ (۵ تیر ماه ۱۳۰۱) آن در کتاب خانه تربیت تبریز محفوظ است.

به ابتکار و تلاش ارزشمند و قابل تقدیر "انتشارات مزدک" ۴۹ نسخه از شماره های مختلف روزنامه "حقیقت" جمع آوری و در کتاب "اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دموکراسی، و کمونیستی ایران (۷)" چاپ شده است. اساس استناد ما به این روزنامه همین مجموعه نفیس است. گفتنی است که به جز شماره های یاد شده، امکان مراجعه مستقیم به سایر شماره های "حقیقت" را نداشتیم. در جاهایی که کپی اصل روزنامه را در اختیار نداشتیم، از کتاب "آخرین سنگر آزادی" بهره گرفته ایم و وام گیر زحمات آقای رئیس نیا شده ایم.

کامبخش مدعی است که روزنامه "حقیقت" رسماً ارگان اتحادیه های کارگری تهران بود، ولی در واقع کار ارگان مرکزی فرقه کمونیست را انجام می داد. به پیروی از او بسیاری از تاریخ نویسان حزب توده شایع کرده اند که "حقیقت" نشریه فرقه مذکور بوده است. طرز بیان آبراهامیان نیز درباره "حقیقت" به گونه ای است که همین توهم را دامن می زند. از همه این ها واضح تر موضعی است که در کتاب "انقلاب اکتبر و ایران" گرفته شده است. در این کتاب ادعا شده است: "روزنامه "حقیقت" رسماً ارگان اتحادیه های کارگری ولی عملاً و در واقع ارگان حزب و اتحادیه بود...". ولی هیچ یک از اینان و کسان دیگری که چنین ادعایی دارند، هرگز مدرک قابل اتکایی ارائه نداده اند. بر عکس محتویات مقالات و مواضع روزنامه خلاف دعوی آن ها را ثابت می کند. حتی این اظهار نظر که گویا "حقیقت" رسماً ارگان اتحادیه ها بود هم صحت ندارد. خود روزنامه هرگز چنین ادعایی نداشت که ارگان رسمی اتحادیه هاست.

ادامه دارد!

این مقاله از کتاب پژوهش کارگری، شماره ۵، بهار ۲۰۰۱ گرفته شده است.

(۵۴) حقیقت، شماره ۷۵، ۱۸ اردی بهشت ۱۳۰۱، کروشها در اصل نیستند.

(۵۵) صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایرانی، جلد دوم، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۲۲۵

(۵۶) رجوع شود به رئیس نیا، رحیم، همان جا، ص ۱۳

(۵۷) کامبخش، "نظری به پنجاه سال..." همان جا

(۵۸) برای نمونه ای از این دست رجوع شود به آگاهی، عبدالحسین، "پیدایش و رشد جنبش کارگری و کمونیستی در ایران"، دنیا،

شماره ۳، سال ۱۳۵۹

(۵۹) رجوع شود به آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه احمد گل محمدی و محمد

ابراهیم فتاحی، چاپ دوم، نشرنی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۶۱

(۶۰) عون اللهی، س، در "انقلاب اکتبر و ایران"، مجموعه سخنرانی های سمینارهای علمی حزب توده ایران، ص ۲۴۳